



گرامی باد ۸ مارس ، روز جهانی زن!

مارس روز جهانی زن ، روزی است که زنان مبارز و انقلابی در همه کشورها صرف نظر از رنگ پوست و نژاد و ملیت خود به اشکال مختلف و در سطوح گوناگون آن را پاس داشته و می کوشند ضمن بررسی و تجلیل از مبارزات گذشته خود و نگاه به دستاوردهای تاکنونی شان در جهت هموار کردن مسیری گام بردارند که باید به رهایی کامل آنان از قید همه زنجیرهائی که در دنیای مرد سالار کنونی بر دست و پای آن ها بسته شده منجر شود.

از سال ۱۹۱۰ که در دومین کنگره زنان سوسیالیست در کپنهاک ، زن کمونیست برجسته آلمانی - کلارا زتکین - ۸ مارس را به مثابه روز جهانی زن اعلام کرد ، تا امروز که بیش از صد سال از آن زمان می گذرد ، هشت مارس همواره به عنوان روز جهانی زن و روز تشدید مبارزه زنان برای رسیدن به مطالبات بر حق شان پاس داشته شده است.

از دیر باز یکی از مطالبات اصلی مبارزات زنان ، تساوی کامل بین زن و مرد بوده است ، تساوی ای که در طول شکل گیری جوامع بشری وجود داشته ، با پیدایش مالکیت خصوصی و طبقات استثمارگر به تدریج پایمال آزمندی استثمارگران شده و بار دیگر با پیروزی انقلاب کارگران و ستمدیدگان علیه سرمایه داران و الغای مالکیت خصوصی در شرایطی نوین ، به شکلی نوین متحقق خواهد شد. دیالکتیک تاریخ گریزنا پذیر است و تمامی تجارب تاریخی موید آن است که جهانی که بنیادش بر نابرابری و استثمار نیروی کار قرار گرفته ، با مبارزه برای نابودی آن به جهانی رها از استثمار و نابرابری بدل خواهد شد.

امروز زنان تحت ستم ایران روز جهانی زن را در شرایطی گرامی می دارند که زیر سلطه جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم زن ستیز ، حقوق شان در تمام عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی به وحشیانه ترین شکلی لگدمال قدرت حاکم گشته و خواسته ها و مطالبات بر حق شان همواره بی شرمانه سرکوب شده و می شود. در زیر سلطه سیاه سرمایه داران زالو صفت و رژیم جمهوری اسلامی ، فقر و بیکاری و گرسنگی در میان زنان و به طور ویژه زنان طبقه کارگر و زحمتکش به درجه چشمگیری رشد کرده است. زنان زحمتکش علاوه بر تحمل تمامی استثمار و سرکوب کمرشکنی که مردان طبقات محروم و استثمار شده با آن مواجهند ، به خاطر صرف جنسیت خود در تمام عرصه های حیات اجتماعی با یک ستم مضاعف دست و پنجه نرم می کنند. عدم دریافت دستمزد و یا حقوق برابر با مردان در مقابل کار برابر یکی از جلوه های برجسته و اساسی این نابرابری است. تا جایی که زنان در شغل های مشابه با مردان بین ۲۳ تا ۵۰ درصد کمتر از آن ها دستمزد دریافت می کنند. طبق آمار داده شده در سال ۱۳۹۳ ، میزان بیکاری زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال دو برابر مردان بوده و تقریباً نیمی از کل جمعیت زنان ایران در این گروه سنی (یعنی ۴۲/۸) را شامل گشته است. نابرابری فاحش دستمزدها ، در شرایط افزایش بسیار سریع تعداد زنان سرپرست خانواده در طول ده سال گذشته ، از یک میلیون و ۶۰۰ هزار به دو میلیون و ۵۰۰ هزار ، تاثیرات مرگبار خود را بر زندگی این زنان و خانواده های آنان گذارده و افشار بیشتری از زنان محروم و خانواده های شان به زندگی در زیر خط فقر محکوم گشته اند. در توصیف وضع زندگی این زنان و خانواده های آن ها باید تاکید کرد که بنا به آمار رسمی حکومتی حقوق و دستمزد دریافتی این گروه از زنان ، مبلغ ناچیزی حدود ۲۵۰ هزار تومان در ماه است.

با در نظر گرفتن همین آمار که البته تمام حقیقت را بیان نمی کند، معاون سازمان بهزیستی اعتراف می کند که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تعداد زنان کارتن خواب و زباله گرد در ایران "رشد" کرده و علاوه بر "تفروشی، پناه بردن به زباله‌ها برای یافتن آذوقه و مانده غذای دیگران یکی از راه‌های تأمین معاش برای این زنان است." این مقام رژیم با اشاره به سرعت گسترش این پدیده تأکید می کند "چندان دور از انتظار نیست که در شهرهای کوچک هم، شاهد این پدیده باشیم".

در چنین شرایطی طبیعی است که زنانی که به زور سرنیزه حتی از حق انتخاب پوشش خود هم محروم شده اند به هر شکلی به اعتراض برخاسته و بکوشند این ظلم و ستم آشکار را ریشه کن نمایند. درست در پاسخ به چنین اعتراضات و مبارزاتی است که زنان بخشی از طبقه حاکمه می کوشند با طرح شعارهای انحرافی لبه تیز این مبارزات را به کج راه ببرند. آن‌ها که خود را "اصلاح طلب" می خوانند همواره با ترفندهای گوناگون کوشیده اند خواست‌های عمیق و اساسی زنان ستمدیده ایران را کنار زده و با اشاعه روش‌های سترون مبارزه قانونی و مسالمت آمیز اعتراضات آن‌ها را بی خطر سازند. آن‌ها زمانی زنان را به جمع آوری امضاء برای لغو و تغییر قوانین در چهار چوب همین نظام و با حفظ رژیم جمهوری اسلامی سرگرم می کردند و امروز به شعار "زنانه کردن چهره مجلس" روی آورده اند. واضح است که این شعار حتی اگر متحقق هم بشود، هیچ نتیجه‌ای در جهت برقراری تساوی زن و مرد در بر نخواهد داشت و تبلیغ آن توسط بخش‌هایی از طبقه حاکمه و رسانه‌های شان که چهره تبهکار و زن ستیز خود را زیر نام "اصلاح طلب" استتار کرده اند تنها با هدف توهم پراکنی در میان زنان مبارز و رادیکال و نفوذ در جنبش زنان برای تخریب آن می باشد. زنان "اصلاح طلب" با شعارها و روش‌های پیشنهادی خود نشان داده اند که همچون بقیه اصلاح طلبان نقش شان: "فرا رفتن از نظام و آسیب رساندن به آن نیست، بلکه فرو رفتن در نظام و آسیب شناسی و آسیب زدائی از آن است" (نقل از سخنان یکی از اصلاح طلبان به نام شمس الواعظین).

در سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن، باید با درس‌گیری از تجربه سال‌ها قدرتمداری فریبکارانه اصلاح طلبان حکومتی و آنچه که خود در عمل به نمایش گذاشته اند، اجازه نداد که چنین افکاری، انرژی مبارزاتی زنان رزمنده را به بیراهه ببرد. ۳۸ سال تجربه سلطه ددمنشانه جمهوری اسلامی نشان داده است که تنها با نابودی این رژیم زن ستیز، رهائی زنان دست یافتنی است.

بکوشیم همه جویبارهای اعتراضی مبارزات زنان را به مسیر سرنگونی رژیم دار و شکنجه و زن ستیز جمهوری اسلامی کانالیزه کنیم، رژیمی که نابودیش شرطی برای نابودی نظام ظالمانه حاکم می باشد.

هر چه پر توان تر باد مبارزات زنان زحمتکش در جهت رسیدن به آزادی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۷ اسفند ۱۳۹۵ - ۷ مارس ۲۰۱۷